

یحیی سنوار، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس
در نوار غزه به شهادت رسید

افسانه سنوار

قهرمان طوفان الاقصی اسطوره شد

واکنش رئیس‌جمهور به شهادت یحیی سنوار:

جهاد با ترور و حذف قهرمانان متوقف نخواهد شد

➕ یادداشت‌هایی از کارشناسان منطقه:

➔ مرگ اسطوره‌ای و شهادت سنواری

➔ سنوار؛ احیای یک افسانه

➔ مردی و مرگی فراتر از اسطوره‌ها

یحیی؛ تعمیم دهنده فلسطین به آزادی

یادداشت

علیرضا حجتی

دبیر گروه بین‌الملل

فلسطین میان مبارزان دست به دست خواهد شد. اگر استثنای کوبریک فقید زنده بود، حتماً این سکنس پرشکوه و مرگ با عظمت را دستمایه ساخت یک اثر جاودانه در تاریخ سینما می‌کرد، اما سنوار به کوبریک نیاز نداشت. او سناریوی هفت اکتبر را نوشته بود. اثری که صدای بزرگ‌ترین بی‌صدایان تاریخ و تصویر سرکوب‌شده فلسطین و سرزمین اشغال‌شده و در شرف فراموشی‌اش را در جهان آکران کرد. او پایان فیلمنامه‌اش را هم بهتر از هر کارگردانی در تاریخ سینمای جهان نوشته بود. یک پایان دراماتیک و ترازیک که فقط از نبوغ کسی برمی‌آمد که زندگی را هم به زانو درآورده بود. تولد در اردوگاه آوارگان، زندگی در جغرافیای اشغال و محاصره، چشیدن طعم فقر و از دست دادن خانواده، ۲۲ سال اسارت در زندان، پشت‌پازدن به تمام نعمت‌های دنیایی به خاطر تحقق بازپس‌گیری خاک میهن اشغال‌شده و دست‌آخر شهادت در ویرانه‌های غزه. جهان به این بزرگی در برابر سنوار چقدر کوچک شده است. فقط یک رهبر افسانه‌ای می‌تواند تمام جهان را در باریکه‌ای به نام غزه جا دهد.

ابو‌ابراهیم پایان خویشتن را از قبل دیده بود. سنوار ۲ دهه قبل در کتابش «خار و میخک» که در زندان

اشغال‌گران نوشت، آورده است: هان ای مادر؛ اکنون وقت آن رسیده است، خود را دیدم که به آنها (اشغال‌گران) هجوم بردم، آنها را مانند گوسفندان کشتم، سپس تومرادر باغ‌های سعادت در دستان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دیدی و او به من می‌گفت: خوش آمدی، خوش آمدی. صهیونیست‌ها چطور حاضر شدند داوطلبانه تصاویر اسطوره‌ای از آخرین مقاومت را منتشر کنند؟ مگر آنطور که تبلیغ می‌کردند، سنوار نباید در یک تونل مخفی شده و از اسراره به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کرد؟ پس چرا او همچون یک چریک مبارز سلاح به دست بود و جلیقه نظامی به تن داشت؟ یحیی فلسطینی‌ها آخرین مأموریتش را بازگشت سرزمینش از حاشیه به متن تعریف کرد. در تمام سال‌های زندان به مبارزه و مقاومت اندیشیده بود. حصارهای زندان او را خسته نکرده بود. او مانند ابوعمار هم نامید نشده بود تا تن به اشغال بدهد تا در بستر مرگ و فراموشی این دنیا را ترک کند. رویترز چندی قبل در گزارشی با عنوان «یحیی سنوار، رهبر تحت‌تعقیب حماس به ناپودی اسرائیل متعهد است»، درباره خلل‌ناپذیر بودن اراده سنوار نوشت: این اراده از سال‌ها زندگی در اردوگاه‌های غزه و ۲۲ سال زندگی در زندان‌های

اسرائیل ناشی می‌شود. این رسانه به نقل از یکی از زندانیانی که با سنوار در زندان‌های سرزمین‌های اشغالی، در یک سلول بوده است، نوشت: سنوار، زندان عسقلان را خانه اجدادی خود می‌دانست و کفش نمی‌پوشید و می‌گفت می‌خواهم با تمام وجودم زمین فلسطین را حس کنم. تا سال ۱۹۴۸، پدر و مادر و پدربزرگ و مادر بزرگ سنوار در المجدال، شهری در شمال غزه که اکنون به نام عسقلان شناخته می‌شود، زندگی می‌کردند. در طول دوره‌ای از رنج و آوارگی یوم‌التکبه خانواده‌اش به جنوب و به نوار غزه مهاجرت کردند. سنوار در ۲۹ اکتبر سال ۱۹۶۲ و در یک خانواده بزرگ در اردوگاه پناهندگان خان یونس متولد و بزرگ شد. زمانی که بعد از ترور اسماعیل هنیه در تهران، حماس یحیی سنوار را به جانشینی رئیس دفتر سیاسی فقید حماس برگزید، نیویورک، مشهورترین هفته‌نامه ادبی آمریکا، یک گزارش مفصل ۱۴ صفحه‌ای با عنوان کنایه‌ای «یادداشت‌هایی از زیر زمین» درباره زندگی یحیی سنوار منتشر کرد، اما سنوار درست مثل یک قهرمان، روی زمین جنگید و مرد. تصویر او در سال ۲۰۲۱ تصویر تاریخ ۷۶ ساله و تاریخ فردای فلسطین است. زمانی که منزل شخصی سنوار در

غزه در جریان جنگ رمضان توسط اسرائیلی‌ها منهدم شد. سنوار سرسختانه با نگاهی نافذ بر ویرانه‌های خانه‌اش نشست؛ پاهایش را روی هم انداخته و لبخندی نادر می‌زد. اطراف او را آوارهایی احاطه کرده‌اند که زمانی خانه او بوده است و چه معنادار سنوار در زمان مرگ هم استوار روی یکی از این صندلی‌ها نشسته بود. این میزانشن، به وضوح الهام‌بخش مبارزه برای آزادی سرزمین فلسطینی‌هاست. سنوار کلیشه تعریف‌شده درباره فلسطین را برهم زد. یعنی فلسطینی که هر قدر مسلح‌تر شد از کلیشه مطلوب حقوق بشری، یعنی سوژه منفعلی که فقط می‌تواند بپذیرد، اما ابتدا حق دفاع کردن از خود را ندارد فاصله گرفت، هزینه دفاع از آن نیز افزایش پیدا کرد. جهان خوابید و بیدار شد، دید فلسطین شده است تروریست و اسرائیل هم ملت مظلوم و در معرض تهاجم. فرزند قهرمان فلسطین اما این بازی را برهم زد. به گواه اجتماعات بی‌سابقه‌ای که در این یک‌سال برگزار شده، فلسطین بیشتر از ۱۰۰ سال قبل در جهان موضوعیت پیدا کرده است. اینک روایت فلسطین است که اهمیت دارد. اشغال‌گران حالا بعد از شلیک به مغز رهبر مقاومت فلسطین، از پایان حماس می‌گویند و جشن

تعطیلی مقاومت در فلسطین را با اسم رمز «صلح» برپا کرده‌اند، اما داستان این سرزمین اشغالی شاید استعاره‌ای از این عبارت در زمان کورسرخ‌ی است: اولین گلوله که شلیک می‌شود، گمانه می‌کند به ۱۰ نسل بعد. تباهی تمامی ندارد. پرچم سفید صلح از هزار جا سوراخ است. دقیقاً گلوله‌ای که به سنوار شلیک شد به نسل‌های بعدی فلسطین گمانه خواهد کرد. این رازیم اشغالگر هیچ وقت درک نکرده است. درست مانند ۲۸ سال قبل که بعد از ترور عیاش، تلویزیون اسرائیل در خبری فوری اعلام کرد: از امروز اسرائیلی‌ها راحت می‌خوابند؛ ما مهندس را کشتیم. اما در آن روزها سنوار در ذهنش طوفان الاقصی را رویاپردازی می‌کرد تا بالاخره در اکتبر ۲۰۲۳ آن را محقق کند. یحیی سنوار برای فلسطینی‌ها همان چهره رؤیایی است. او همان کسی است که فلسطینی‌ها اعتقاد داشتند وعده صادق می‌دهد: سنوار سال گذشته گفته بود بزودی سراغ اسرائیلی‌ها خواهد رفت و فلسطین را به مسیر آزادی خواهد برد. او برای فلسطین همان یحیی تعمیم‌دهنده است که این سرزمین را به آزادی تعمیم می‌دهد. سنوار هرگز نمرده است. او از روی همان صندلی خانه‌اش را تماشا می‌کند.